

با مردم به نیکویی سخن بگوئید



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله رب العالمين والصلوة والسلام على أشرف الأنبياء والمرسلين
سيدنا محمد المبعوث رحمة للعالمين وعلى آله وصحبه أجمعين
خداوند مي فرمايد:

﴿وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ - وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَذِي الْقُرْبَىٰ
وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ ثُمَّ تَوَلَّيْتُمْ إِلَّا قَلِيلًا
مِّنْكُمْ وَأَنتُمْ مُّعْرِضُونَ﴾. [بقره: ۸۳] یعنی: «و چون از فرزندان اسرئیل پیمان محکم
گرفتیم که جز خدا را نپرستید و به پدر و مادر و خویشان و یتیمان و مستمندان
احسان کنید و با مردم [به زبان] خوش سخن بگویید و نماز را به پا دارید و زکات را
بدهید آنگاه جز اندکی از شما [همگی] به حالت اعراض روی پرتافتید.»

یگانگی اخلاق و ارزشها

اخلاق: يك حائتي ریشه دار در درون است که از آن افعال و اقوال بدون فکر و
اندیشه صادر می شوند.

و اخلاق نیکو يك ارزش انساني است که همه ادیان بدان فرا خوانده اند.

حسن اخلاق صفتي است که به فطرت انساني مربوط می شود.

اصول و ارزشها، امور ثابت بوده و قابل تجزیه نبوده و مکان و نژاد را نمی شناسند.

اگر حقیقت امر این گونه است، پس مطالب پایین چرا ؟

براستی، افت و شکست خطرناک اخلاقي اي که ما امروز با آن دست و پنجه نرم
می کنیم در منظومه اخلاقي اي است که همه ادیان آسمانی بدان فرا خوانده اند
و اختلال روانی در ترازوی صفت اخلاق مربوط به فطرت انساني است که در احکام
خویش مکان و نژاد نمی شناسد، حال آن که امروز به خللی در ثبات ارزشهای لسانی و
رفتاری در میان جامعه اعم از فرد و گروه منجر شده است. همه این موارد ما را به
ایستادن و پاسخ گویی به چند سؤالی که مربوط به آیه فوق هستند فرا می خوانند.

- آیا مخاطب آیه فقط فقط بني اسرائيل هستند آن گونه که برخی ادعا می کنند
یا این امت را نیز شامل می گردد؟ آیا آیات شمشیر آین آیه را منسوخ ساخته و
یا این که از آیات محکمت به شمار می رود؟
- منظور از (ناس = مردم) در آیه چه کسانی هستند؟

● منظور از اخلاق نیکو در آیه چیست؟

● ربط دستور به سخن نیکو با تعالیم وارده در خود آیه چیست؟

مخاطبان این آیه چه کسانی هستند؟

از سباق آیه به وضوح چنین برداشت می‌شود که آموزه‌هایی که در این آیه وجود دارند توجیهات آن در شریعت اسلامی برای ما ثابت می‌شوند؛ چنانکه خداوند ما را به توحید و خوشرفتاری با والدین، خویشان، یتیمان، مساکین و همچنین به نماز و زکات فرا می‌خواند. همچنین به ما دستور رسیده است که با همه مردم با نیکویی سخن گوئیم، پس چگونه درست در می‌آید که این آیه مخصوص بنی‌اسرائیل می‌باشد؟ بنابراین، از نگاه شرع متصور نیست که اخلاق نیکو مخصوص بنی‌اسرائیل است و جایی در شریعت پاک و نیکوی اسلام که پایان بخش ادیان آسمانی ندارد؛ همان‌گونه که اعتبار نمودن اخلاق و ارزشها در جایگاه نسخ و یا تغییر امری غیر ممکن است، زیرا این موارد از امور ثابت شده فطرت سلیم می‌باشند. به ویژه آن که نبی اکرم ﷺ فرموده است: «من فرستاده شده‌ام تا مکارم اخلاقی را به پایه تکامل برسانیم.» (مسند بزار: ۳۶۴/۱۵).

در عین حال امام فخرالدین رازی در تفسیر کبیر و ابن حبان اندلسی در بحرال محیط دلالی از قرآن ذکر کرده‌اند که شمول بدون این تعالیم و آموزه‌های ارزشمند برای امت محمدی و بقای آنها را بدون نسخ تأکید می‌کنند. چنان که این دو اندیشمند گفته‌اند: ابوجعفر، محمد باقر چنین پنداشته است که این عمومیت آیه بنابر ظاهرش باقی است و نیازی به تخصیص ندارد و این دیدگاه قویتر است. (تفسیر رازی و بحر المحيط) و دلیل آن این است که موسی و هارون علی رغم جلالت شأن آنها به نرمی و رفق با فرعون دستور یافتند و همچنین پیامبر ما ﷺ به نرمی و ترک خشونت دستور یافته است. خداوند می‌فرماید: ﴿ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ﴾ [نحل: ۱۲۵] یعنی: «با حکمت و اندرز نیکو به راه پروردگارت دعوت کن.»

﴿وَلَا تَسْبُوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسْبُوا اللَّهَ عَدُوًّا بِغَيْرِ عِلْمٍ﴾ [انعام: ۱۰۸] یعنی: «و آنها را که جز خدا می‌خوانند دشنام مدهید که آنان از روی دشمنی [و] به نادانی خدا را دشنام خواهند داد.»

امکان ندارد که اخلاق و ارزشها را محل نسخ و تغییر بدانیم حال آن که آنها از امور ثابت شده فطرت سلیم هستند.

﴿وَإِذَا مَرُّوا بِاللَّغْوِ مَرُّوا كِرَامًا﴾ [فرقان: ۷۲] یعنی: «و چون بر لغو بگذرند با بزرگواری می‌گذرند.»

﴿وَأَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ﴾ [اعراف: ۱۹۹] یعنی: «و از نادانان رخ برتاب.»

ابن عجبیه در تفسیر این آیه گفته است: هر پیمانی که از بنی اسرائیل گرفته شده است: همان پیمان نیز از امت محمدی گرفته شده است. و این حکمت ذکر داستانهای آنان و درج بدیهایشان برای ما در قرآن است تا از در افتادن آن موارد پرهیزیم تا مبادا مانند آنان هلاک شویم. (تفسیر ابن عجبیه)
جمهور مفسران بر این باورند که این آموزه‌ها شامل امت محمدی می‌گردند و آنها باقی بوده و منسوخ نیستند.

آلوسی گفته است: هر کس بگوید: مخاطب این آیات امت اسلامی است و قول محکم است یا این که با آیات جهاد منسوخ شده اند یا مراد از (مردم در آیه) نیکان امت هستند، زیرا گفتار نیکو با کفار و فساق درست نیست، زیرا ما دستور یافتیم تا آنان را نفرین نموده و مورد نکوهش‌شان قرار دهیم و با آنان بجنگیم، چنین فردی از راه صواب دور رفته است. (تفسیر روح المعانی)

منظور از (ناس= مردم) در آیه چه کسانی هستند؟

آیه کریمه از پیمان عامی سخن می‌گوید که که خداوند آن را از بنی اسرائیل گرفته است و قبلاً توضیح داده شد که گروهی انکار ورزیده و معتقدند که التزام به ارزشها منحصر به قومی خاص و نژادی مشخص هستند التزام به به ارزشها زمانی واجب است که آدمی با افراد و هم‌کیشان تعامل می‌کند و برای انسان جایز است که وقتی با افراد غیر هم‌کیش خودش برخورد و تعامل می‌کند، بر اصول و ارزشها پایبند نباشد. چنان که خداوند فرموده است: ﴿وَمِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مَنْ إِنْ تَأْمَنَهُ بِقِنطَارٍ يُؤَدُّهُ إِلَيْكَ وَمِنْهُمْ مَنْ إِنْ تَأْمَنَهُ بَدِينَارٍ لَا يُؤَدُّهُ إِلَيْكَ إِلَّا مَا دُمْتَ عَلَيْهِ قَائِمًا ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا لَيْسَ عَلَيْنَا فِي الْأُمِّيِّينَ سَبِيلٌ وَيَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ وَهُمْ يَعْلَمُونَ﴾ [آل عمران: ۷۵ - ۷۶] یعنی: «و از اهل کتاب کسی است که اگر او را بر مال فراوانی امین شمری آن را به تو برگرداند و از آنان کسی است که اگر او را بر دیناری امین شمری آن را به تو نمی‌پردازد مگر آنکه دایماً بر [سر] وی به پا ایستی این بدان سبب است که آنان [به پندار خود] گفتند در مورد کسانی که کتاب آسمانی ندارند بر زیان ما راهی نیست و بر خدا دروغ می‌بندند با اینکه خودشان [هم] می‌دانند * آری هر که به پیمان خود وفا کند و پرهیزگاری نماید بی‌تردید خداوند پرهیزگاران را دوست دارد.»
بنابراین، چگونه رواست که خداوند از آنان پیمانی بگیرد که از آن فهمیده شود که این نوع اخلاق و ارزشها مربوط به مکان خاصی می‌باشند؟
لذا از این آیه روشن می‌گردد که مقصود از آیه عموم مردم بوده و اصول و ارزشها

نژاد و مکان خاصی نمی‌شناسند و کسانی که می‌گویند: این فرمان الهی همه مردم را شامل می‌گردد، عبارتند از:

حضرت علی بن ابی طالب کرم الله وجهه، امام محمد بن باقر، عطاء بن ابی رباح، آن گونه که سیوطی در درمنثور نقل کرده است و دیدگاه شیخ مفسران ابن جریر طبری، فخر رازی، ابن کثیر، ابن حیان اندلسی، قرطبی، ماوردی، صاوی، بروسی، بقاعی و ابن عاشور در تفاسیرشان نیز همین است.

چقدر ما نیاز داریم تا به این جمله علامه قرطبی در تفسیر این آیه بیندیشیم که فرمود: «برای انسان مناسب است تا سخنانش در برابر مردم نرم و چهره‌اش در برابر هر فرد نیکوکار و بدکار، اهل سنت یا بدعت بدون مداخلت گشاده باشد.» بنابراین، آیه: ﴿وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا﴾ همه مردم را شامل می‌گردد.

منظور از اخلاق نیکو در آیه چیست؟

از سیاق آیه چنین معلوم می‌گردد که عموم و شمول حسن اخلاق باید برای همگان یکسان بوده و برای افراد مشخصی خاص نباشد، زیرا این نوع تخصیص که شامل گفتار و کردار می‌شود نسبت به والدین، ینیمان و مساکین مناسب در نمی‌آید که پس از آن امر عامی بیاید که از آن امر خاصی مدنظر قرار گرفته باشد.

روایاتی از ابن عباس وارد شده است که این معنی را خاص می‌گردانند، اما با این وصف حافظ ابن کثیر توضیح داده است که تفسیر برخی نسبت به کلمه (حسن) که آن را خاص می‌کنند عمومیت معنی را از بین نمی‌برد و در ضمن آن داخل می‌شود. یعنی: با آنان به خوبی صحبت کنید و در برابر آنان نرم باشید. و در آن امر به معروف و نهی از منکر داخل است، چنان که حسن بصری در تفسیر این آیه: ﴿وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا﴾ گفته است: مراد از سخن نیکو، امر به معروف و نهی از منکر، حلم و شکیبایی، عفو و گذشت و گفتن سخن نیکو با مردم است همان گونه که الله تعالی فرموده است و این شامل هر اخلاق نیکو و رضایت بخش است.

از امام محمد باقر روایت شده است که در تفسیر این آیه گفته است: با آنان طوری صحبت کنید که دوست دارید آنان با شما صحبت کنند. (تفسیر زادالمسیر ابن جوزی)

برخی از سلف سلام گفتن بر اهل کتاب و غیر مسلمانان را روا ندانسته‌اند و علما آنان را مجاب ساخته و گفته‌اند: مراد از آیه: ﴿وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا﴾ سلام گفتن است. (تفسیر ابن کثیر)

احنف ابن قیس می‌گوید: آیا شما را از بدترین دروها خبر ندهم؟ آنان پاسخ دادند: بلی، او گفت: اخلاق بد و زبان ناسزاگو.

بنابراین، آیه: ﴿وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا﴾ شامل همه سخنان نیکو می‌باشد و بر نوعی خاص منحصر نیست.

حسن اخلاق ظاهری و درونی

حسن اخلاق عبارت است از آن مقداری که آدمی بتواند با همه مردم آن را اعمال نماید و باید این اخلاق و گفتار نیکو از درون قلب نشأت گرفته باشد نه این که مجامله محضی باشد. زیرا وقتی فرد مسلمان با کسی با نیکویی سخن می‌گوید، برای آنان خیر و خوبی را در دل دارد و این اساس خوشرفتاری و اخلاق نیکوست. (تفسیر ابن عاشور)

رسول خدا ﷺ فرمود: «هرگز شما مومن نخواهید بود تا آن گاه که دوست بدارید برای برادر خود آنچه را که برای خود دوست می‌دارید.» (بخاری و مسلم)

بنابراین، وقتی در توان مردم نیست که با همه انسانها نیکوکاری نماید، خداوند دستور داده است تا با آنان با نیکویی سخن بگوید و چون آدمی نمی‌تواند به همه انسانها کمک کند، حداقل از رفتار نیکو و سخن نیک و بذل نصیحت دریغ نورزد. (تفسیر بقاعی)

ربط دستور به سخن نیکو با تعالیم وارده در خود آیه چیست؟

برادر عزیز با من به سیاق این آیه دقت کن. ﴿وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَٰئِيلَ لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ ثُمَّ تَوَلَّيْتُمْ إِلَّا قَلِيلًا مِّنْكُمْ وَأَنتُمْ مُّعْرِضُونَ﴾ [بقره: ۸۳] یعنی: «و چون از فرزندان اسرائیل پیمان محکم گرفتیم که جز خدا را نپرستید و به پدر و مادر و خویشان و یتیمان و مستمندان احسان کنید و با مردم [به زبان] خوش سخن بگویید و غار را به پا دارید و زکات را بدهید آنگاه جز اندکی از شما [همگی] به حالت اعراض روی برتافتید.»

این آیه از بنی اسرائیل امور ذیل را پیمان گرفته است:

● توحید الله در عبادت.

● احسان قولي و فعلي با (والدين، خویشاوندان، یتیمان و مساکین)



● سخن نیکو با همه مردم.

● اقامه نماز و پرداخت زکات.

آنگاه خداوند از اغلب آنان ایراد گرفته است که از التزام این میثاق اعراض نموده و روی بر می‌تابند.

ما عظمت خطاب را در آیه از چندین جهت در می‌یابیم:

● این توجیه ربانی احسان و خوشرفتاری قولی و فعلی را با هم جمع کرده است.

● خداوند احسان و خوشرفتاری ربانی و عملی را بر نماز و زکات مقدم نموده است با وجود آن که این دو از فرائش و بلکه از ارکان اسلام هستند، بنابراین، معلوم می‌گردد که احسان و خوشاخلاق اساس همه معاملاتی است که الله تعالی به آنها دستور داده است.

خلاصه

از این آیه: ﴿وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا﴾ معلوم گردید که:

● این آیه شامل همه مردم می‌شود و مخصوص مخاطبان مومن و نیکوکار نیست.

● شامل همه مفاهیم خوشرفتاری می‌شود و فقط به امر به معروف و نهی از منکر منحصر نمی‌شود.

● مخصوص بنی اسرائیل نبوده و امت اسلامی را نیز شامل می‌گردد.

● محکم و باقی است و منسوخ نشده است..



سلسه تحریف و ادعا

رسول خدا صلی الله علیه وسلم فرمود : این علم را از هر بازمنندگان ، عادلانش بر میدارند و آن را از تحریف افراطگران و نسبتهای اهل باطل و تاویل جاهلان حفظ می کنند .^۱

برخی از صاحبان افکار انحرافی کلام خداوند سبحان را به گونه ای فهمیده اند که هماهنگ با منهج علمی موروث از سلف صالح نبوده و با مقاصد و ارزشهای بزرگ وحی الهی سازگار نمی باشند . و آنان برخی آیات را که در شأن کفار نازل شده اند ، بر مسلمانان حمل می کنند .

و از آیاتی که به صورت خاص و استثنا نازل شده اند ، احکامی عمومی صادر نموده و معانی کلام خداوند را به تحریف نموده اند به گونه ای که منجر به رسوخ و یا سازنده مفاهیمی اشتباه و غلط در عقل و خرد عامه مسلمانان شده اسلام ندارند .

در خلال این سلسه مباحث با تحریف معانی آیات قران کریم از طرف صاحبان این افکار منحرفه و گسترده انفصال آن از فهم پیامبر بزرگوار صلی علیه وسلم و اصحاب گرانقدر و سلف صالح و شریعت غرّا آشنا می شویم .

۱ - حدیث مشهور صححه ابن عبد البر، وروی عن أحمد بن حنبل: أنه قال: هو حدیث صحیح.